

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

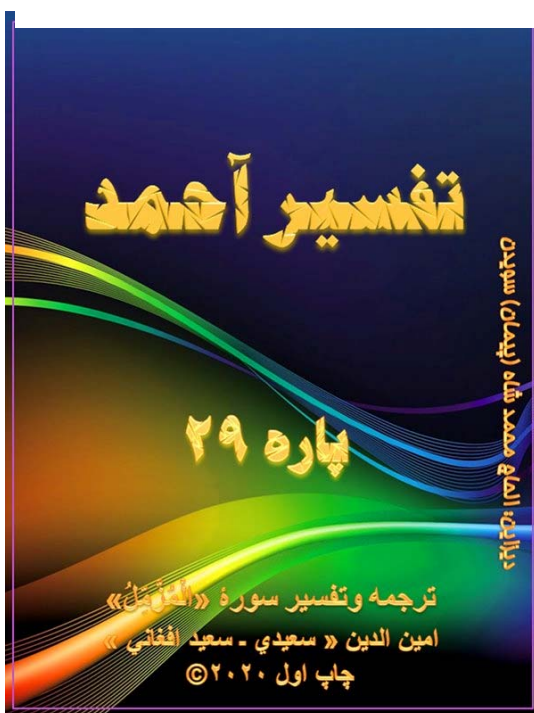
الحاج داکتر امین الدین «سعیدی- سعیدافغانی»

۲۷ اگست ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

ترجمه و تفسیر سوره المزمّل

۱



سوره المزمّل در مکه مکرمه نازل شده و دارای بیست
آیت و دو رکوع می باشد.

وجه تسمیه:

سوره «مزمّل» بدین جهت به این نام مسمی شد که رسول الله
صلی الله علیه وسلم، در آغازین مرحله نزول وحی الهی به
سوی ایشان که خود را در جامه می پیچیدند، سخن می گوید.
مزمّل: یعنی جامه بر خود پیچیده.

معنای لفظی «يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ» تقریباً با لفظ سوره «مدثر» هم
معناست، در هردوی این سوره رسول الله صلی الله علیه وسلم
با وضعیتی موقت و صفت خاصی مورد مخاطب قرار گرفته
است، زیرا آنحضرت صلی الله علیه وسلم در آن زمان بنا بر
شدت خوف و فزع، سردی شدیدی را احساس می نمود، لذا
فرمود، پارچه ای بر من بیندازید، بر او پارچه ای انداخته شد،
که آنحضرت صلی الله علیه وسلم پیچیده شد، و این واقعه در

صحیحین (بخاری و مسلم) با روایت حضرت جابر به نام زمان فترت وحی یاد می گردد، به تفصیل بیان گردیده است.
(برای تفسیر بیشتر موضوع مراجعه شود به تفسیر معارف القرآن مؤلف علامه مفتی شفیع عثمانی دیوبندی).

همچنان در شأن نزول سوره المدثر آمده است: ۱۱۴۷- بخاری و مسلم از جابر (رض) روایت کرده اند که: رسول الله
صلی الله علیه وسلم فرمود: مدت یک ماه در غار حراء معتکف بودم چون زمان اعتکاف را سپری کردم از آنجا خارج
شدم به ژرفای دره که رسیدم کسی مرا صدا کرد، من هیچ کس را ندیدم ناگهان سر خود را بلند کردم و همان فرشته‌ای

را دیدم که در حراء نردم آمده بود. وقتی به خانه رسیدم گفتم: مرا بیچانید. پس خدا آیه « يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ » را نازل کرد (صحیح بخاری ۴۹۲۳ و ۴۹۲۴، مسلم ۱۶۱ حدیث شماره ۲۵۷ و ۲۵۸).

سوره مزمل:

سوره مزمل هفتاد و سومین سوره قرآن کریم است که مکی است و ۲۰ آیت دارد.

تعداد کلمات سوره مزمل:

با در نظر داشت این که نظر علماء در مورد تعداد کلمات این سوره مختلف می باشد ولی گفته شده که تعداد کلمات سوره مزمل به دوصد و هشتادوپنج کلمه میرسد.

تعداد حروف سوره مزمل:

تعداد حروف این سوره به هشتصدوسی و هشت حرف می رسد (با در نظر داشت رای مختلف علماء).

مباحث طرح شده در این سوره:

- دعوت پیامبر اسلام به قیام شبانه برای عبادت و تلاوت قرآن کریم
- دعوت او به صبر و شکیبائی و مقاومت و مدارا با مخالفان
- بحث‌هایی پیرامون معاد و ارسال موسی بن عمران به سوی فرعون
- تخفیف دستورات شدید آغاز سوره به خاطر گرفتاری‌های مسلمانان
- دعوت به تلاوت قرآن و خواندن نماز و دادن زکات و انفاق در راه خداوند متعال و استغفار

مطالب عمده و اساسی این سوره:

مهمترین هدف سوره مزمل ارائه برنامه‌ای عبادی، اجتماعی و اقتصادی برای آماده ساختن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم و مسلمانان است. همچنان در این سوره موضوعات ذیل مورد بحث قرار گرفته است:

(آداب شب زنده داری (قیام الیل)؛ آداب قرائت قرآن عظیم الشان؛ بشارت نزول وحی؛ مزایای شب و روز؛ آداب مسلمانی، در یاد الله بودن، از غیر خداوند بریدن، به خداوند اعتماد داشتن، شکیبا بودن، از مردان بد دوری گزیدن، دنبال روزی رفتن، در راه حق جنگیدن، نماز گزاردن، بر فقراء زکات دادن و در راه خداوند وام دادن؛ خدشناسی: خداوند پروردگار ماست، صاحب و مالک شرق و غرب (همه هستی) است، جز او معبود به حقی نیست، یار و یاور بندگان است، وعده او راست است، بر بندگان مطیع پاداش نیک می دهد؛ معاد و روز قیامت با زنجیرهای سنگین و آتش افروخته، طعامهای گلوگیر، عذاب دردناک، لرزش زمین، لرزش کوهها و بالاخره شدت روز قیامت؛ فرمان بردن پیامبر صلی الله علیه وسلم و گروهی از مؤمنان در شب خیزی از حکم الهی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده و مهربان

يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ (۱)

ای جامه بر خود پیچیده! (۱)

«الْمُرْمَلُ» «جامه بر خود پیچیده».

از فحوای آیت مبارکه چنین استنباط می شود که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای آغاز یک رسالت و مأموریت عظیم بشری دعوت شده که انجام این رسالت و مأموریت بدون خود سازی قبلی نا ممکن است. بناءً در آغاز بهتر می دانم که به شأن نزول اولین آیت این سوره اشاره به عمل آرم.

شأن نزول اولین آیت این سوره:

۱۱۴۳- بزار و طبرانی به سند واهی از جابر(رض) روایت فرموده اند: قریش در دار ندوه جمع شدند و گفتند: باید برای این شخص نامی بگذاریم تا مردم از او روگردان شود. برخی از آنها گفت: این مرد کاهن است. عده‌ای گفت: کاهن نیست. عده‌ای گفت: مجنون است. عده‌ای گفت: مجنون هم نیست. عده‌ای گفت: ساحر است. تعدادی سخن آنها را نفی کردند و گفتند: او ساحر هم نیست. نبی کریم صلی الله علیه وسلم صحبت‌های آنان را شنید لباس پوشید و خود را در آن پیچاند. پس جبرئیل امین آمد و آیه «يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ، يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ» را تلاوت کرد. (اسناد این جداً ضعیف است، بزار ۲۲۷۶ «کشف» [طبرانی در «معجم اوسط» ۲۰۹۶] از جابر روایت کرده اند. هبثمی در «مجمع الزوائد» ۱۱۴۴۳ می‌گوید: در این اسناد معلی بن عبدالرحمن واسط کذاب است. «تفسیر شوکانی» ۲۷۷۱ به تخریج محقق.) (تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول تألیف علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبدالکریم ارشد فاریابی).

۱۱۴۴- ابن ابوحاتم از ابراهیم نخعی روایت کرده است: وقتی که آیت «يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ» نازل شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم خود را در چادر پیچانده بود.

(مراجعه شود به: تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم تألیف: شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول تألیف علامه جلال الدین سیوطی).

خواننده محترم!

از علنی شدن دعوت اسلام تاهنوز چند روز و چند ماه محدود سپری نگردیده بود، که موسم حج فرا رسید، سران مشرکین قریش تشویش داشتند که دستة زایرین عرب یکی پس از دیگری به سرزمین مکه بر آنان وارد می‌شوند، بناءً لازم و ضروری دانستند که طرح شعارهای جدید تبلیغاتی را در بین این گروه علیه رسول الله صلی الله علیه وسلم و دین جدیدش، مطرح نمایند، این تبلیغات با شعار واحد و هدف واحد در بین زایرین به طور منسجم و تأثیر گذار را مطرح و تبلیغ نماید، هدف اساسی این شعار ها باید این باشد تا شخصیت رسول الله صلی الله علیه وسلم زیر سؤال برده شود، و از جانب دیگر مجالی برای تبلیغات رسول الله صلی الله علیه وسلم و مسلمانان باقی نه ماند، و دین جدید باید در بین زایرین امکان نفوذ را نداشته باشد.

سران مشرکین قریش رهبران ذی فهم خویش را به اصطلاح به جلسه اضطراری دعوت نمودند، و همه؛ به نزد ولید بن مغیره رفتند.

ولید بن مغیره مخزومی یکی از علماء معروف و یکی از جمله فصیحان مشهور قریش به شمار می رفت، او پدر خالد بن ولید و کاکای ابو جهل بود، شخص سخن سنج و با استدلال بود که مشهور به حکیم عرب بود.

سران قریش بعد از این که به نزد ولید بن مغیره تشکیل جلسه دادند، وی در خطاب به سران قوم گفت: در این خصوص، همگی اجماع کنید و یک سخن شوید و هر یک به راه های جداگانه نروید، تا در نتیجه ناخواسته یکدیگر را تکذیب کنید و در برابر آراء و نظرات یکدیگر قرار گیرید! گفتند: تو خود بگو که چه باید گفت و چه باید کرد! و برای ما یک نقطه نظر واحدی شعاری مطرح کن که همه همان را بگوئیم! گفت: بلکه به عکس، شما بگوئید تا من بشنوم! گفتند: می گوئیم: که (رسول الله صلی الله علیه وسلم) کاهن است! گفت، نه به خدا، او کاهن نیست! ما بسیار کاهنان را دیده ایم، این با وردها و سجع های کاهنان بسیار متفاوت است! گفتند، می گوئیم: مجنون است! گفت: او مجنون نیست! ما مجنون ها را مشاهده کرده ایم و نیک می شناسیم که جنون چیست. هیچ یک از علائم جنون از قبیل عوارض جسمانی، درگیری های عاطفی و روانی، و حالات و سواس و نابسامانی را در وجود او نمی یابیم! گفتند: می گوئیم: شاعر است! گفت: او شاعر نیست! ما انواع مختلف شعر: رجز و هزج و قریض و مقبوض و مبسوط را خوب می شناسیم، این شعر نیست! گفتند: می گوئیم: ساحر است! گفت: وی ساحر هم نیست! ما جادوگران و جادوهایشان را زیاد دیده ایم، نه دمیدنی در کار او هست، و نه گره زدنی! گفتند: پس چه بگوئیم؟ گفت: به خدا! سخنان وی شیرینی خاصی دارد و از آب و رنگی کم نظیر برخوردار است، ریشه ای سترگ دارد، و شاخه های پر بار، هر یک از این سخنان را که شما بخواهید مطرح کنید بر همگان معلوم می شود که باطل است، باز هم از همه بهتر همین است که بگوئید: ساحر است! گفتاری آورده است که سحر است، میانه شخص را با پدرش، با برادرش، با همسرش و با خاندانش به هم می زند! قریشیان همین رأی و نظر را از او گرفتند و پراکنده شدند. (سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۷۱؛ بیهقی و ابونعیم نیز در دلائل و دیگر آثارشان آورده اند.)

مؤرخین در برخی از روایات می نویسند؛ زمانی که ولید بن مغیره تمامی پیشنهادات قریشیان را رد کرد، گفتند: آن رأی و نظر بی حرف و سخن خودت را به ما ارائه کن! ولید گفت: مهلتی به من بدهید تا در این باره کمی فکر کنم! مدتی اندیشید و اندیشید، تا در نهایت همان رأی و نظری را که اخیراً از او نقل کردیم، برای آنان ابراز کرد. خداوند متعال نیز شانزده آیت از سوره مدثر (آیات ۱۱ تا ۲۶) را در ارتباط با ماجرای این مباحثات قریش و اظهار نظر ولید بن مغیره نازل فرموده است که تفصیل آن در سوره مدثر بیان گردیده است.

به هر حال، شورای قریش به این تصمیم گیری انجامید و قریشیان در پی اجرای آن برآمدند. در موسم حج، سر راه مردم نشستند، و هر کس که بر آنان می گذشت، او را از گرایش به دین جدید بر حذر می داشتند، و قضیه دعوت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را برای او مطرح می کردند. (سیره ابن هشام، جلد ۱، صفحه ۲۷۱).

از سوی دیگر، رسول الله صلی الله علیه وسلم شخصاً به دیدار حجاج عربی می رفت از جمله به بازار مشهور عکاظ و مجنّه و ذوالمجاز تشریف می برد و آنان را به دین جدید دعوت می نمود.

ولی در مقابل؛ ابولهب از پشت سر آن حضرت صلی الله علیه وسلم می آمد و می گفت: که این شخص از دین برگشته و دروغ ساز است! (این کار ابولهب را امام احمد در مسند خود روایت کرده است: ج ۳، ص ۴۹۲؛ ج ۴، ص ۳۴۱؛ البدایة والنهایة، ج ۱۲، ص ۴۴۹-۴۵۰).

مؤرخین می نویسند: نتیجه این شد که آن سال، همه کسانی که از قبائل مختلف عرب به حج رفته بودند، با اطلاع کافی از اخبار دعوت رسول الله صلی الله علیه وسلم، از موسم حج بازگشتند، شهرت دعوت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم سراسر بلاد عرب را در بر گرفت.

فَمِ النَّبْلِ إِلَّا قَلِيلًا (۲)

شب بر خیز مگر کمی (از آن را). (۲)

الله تعالی خطاب به پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: برای ادای نماز، شب را جز کمی به پاخیز؛ زیرا نماز شب، یآوری در برابر مشکلات دعوت و مشقت‌های زندگی است و از جمله بهترین عبادات به شمار می‌رود. در آیت مبارکه رسول الله صلی الله علیه وسلم به قیام لیل مأمور می شود، قیام لیل در جنب این که از جمله بهترین عبادت به شمار می رود، بلکه کمک کننده در برابر مشکلات دعوت و مشقت‌های زندگی نیز می باشد.

قابل تذکر است که قیام لیل فقط بر رسول الله صلی الله علیه وسلم فرض بود. صحابی جلیل القدر جابر بن عبدالله (رض) درباره شأن نزول این آیت مبارکه روایت نموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مجاور حراء گردیدم (بنا بر عادت ایشان) و چون مدت مجاورتم را در آن به سر رساندم، از کوه پائین شدم، به ناگاه صدائی را شنیدم که مرا می خواند پس به جانب راست خویش نگریدم ولی چیزی را ندیدم و به جانب چپ خویش نگریدم، باز هم چیزی را ندیدم و به پشت سرم نگریدم، باز هم چیزی را ندیدم پس سرم را به سوی آسمان بلند کردم در این وقت دیدم؛ همان کسی که در حراء نردم آمده بود، در میان آسمان و زمین بر تخته نشسته است از هیبتش ترسیدم و بی‌درنگ خود را به خانه رساندم و گفتم: مرا در جامه در پیچید، مرا در جامه در پیچید». به دنبال آن پروردگار با عظمت «يَا أَيُّهَا الْمَرْءُ» را نازل کرد.

قیام اللیل:

از فحوای آیات قرآنی، واحادیث نبوی به این حقیقت می رسیم که بعد از فرایض، واجبات و سنن، مهمترین عبادت و نمازی که مسلمانان به ادای آن در شریعت اسلامی مکلف گردیده اند، نماز تهجد، یا «قیام اللیل» است. قابل تذکر است که قیام در راستای خودسازی و قرب الهی و در جهت اصلاح و اعتلای روح و روان و تندرستی ظاهری و باطنی انسان سازنده ترین و مؤثرترین نقشی را ایفاء می دارد.

تهجد:

کلمه تهجد از ریشه (ه ج د) است. اصل هُجود به معنای «خوابیدن» است، اما در تأکید دیگری این کلمه از اضداد چون در لغت به دو معنای «در شب خفتن» و «در شب بیدار شدن» آمده است.

نام های تهجد:

علماء تهجد را با نام‌های متعددی یاد و مسمی نموده اند که از آن جمله می توان: صلاة اللیل (نماز شب)، قیام اللیل (شب‌بیداری)، صلاة التطوع باللیل (نماز نفل شبانه)، صلاة السحر (نماز سحر)، نماز پاکان، نماز انبیاء و غیره نام برد. تهجد در لغت، مصدر و از باب «تفعل» است و از هجد بهجود مأخوذ است. می‌گویند: هجد و أهجد، یعنی خوابید. و این کلمه در زبان عربی از اضداد است؛ یعنی دو معنای متضاد دارد، هم به معنی خوابیدن در شب است و هم به معنای از خواب بیدار شدن. (جوهری، الصحاح: ۲/۵۵۵).

تهجد در اصطلاح فقهی:

تهجد در اصطلاح فقهی همان شب زنده‌داری می باشد که غرض برپا کردن نماز شب، تلاوت قرآن عظیم الشان، ذکر الله تعالی و طلب مغفرت به عمل می آید. برخی از علماء در تعریف اصطلاحی تهجد فرموده اند: «هو صلاة التطوع باللیل» نماز نفلی که در شب خوانده می‌شود.

هكذا تعدادی از علماء میان نماز شب (قیام اللیل) و نماز تهجد فرق گذاشته‌اند و گفته‌اند: خواندن نوافل از مغرب آغاز و تا طلوع صبح صادق، را قیام اللیل و یا هم نماز شب می‌نامند، ولی نماز نفلی که بعد از خواب شب ادا می‌شود، آن را به نام نماز تهجد مسمی داشته‌اند.

ولی برخی از علماء هر دو را به یک معنا گرفته‌اند. البته آموزش و روش پیامبر و عمل بیشتر علماء بر همین بوده است که بعد از خوابیدن پاسی از شب بیدار می‌شدند و نماز تهجد می‌خوانند.

صحابی جلیل القدر هریک علقمه بن قیس و اسودین یزید رحمهما الله در مورد نماز تهجد می‌فرمایند: «إنما التهجد بعد نومة» نماز تهجد درحقیقت آن است که بعد از خواب اداء شود. (المروزی، قیام اللیل: ۱۹)

یادداشت ضروری:

حکم نماز تهجد در نزد بسیاری از علمای اسلامی، براساس روایتی که از حضرت عائشه رضی الله عنها نقل می‌فرمایند همین است که در ابتداء نماز تهجد بر تمام امت فرض بود و حدود یک سال پیامبر صلی الله علیه و سلم و اصحاب، آن را به‌طور فرض می‌خواندند و بر آن پایبند بودند، سپس نرمی و آسانی به عمل آمد و فرضیت آن نسخ و تبدیل به نفل شد. (ابن الجوزی، زاد المسیر: ۴/۳۵۳).

«متجهد»:

متجهد به شخصی گفته می‌شود که در طول شب از خواب بیدار می‌شود و شروع به خواندن نماز نافله می‌کند، آن شخص را در اصطلاحی فقهی «متجهد» و نمازی که وی به جا می‌آورد نماز «تهجد» می‌نامند.

تعداد رکعات نماز تهجد:

مطابق احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم، کمترین رکعات نماز تهجد دو رکعت بوده و حداکثری برای آن وجود ندارد. هر چقدر که بیشتر خوانده شود، نماز گزار ثواب و پاداش بیشتری کمائی می‌نماید.

ولی مطابق حدیثی که از حضرت بی بی عایشه روایت گردیده آمده است: «ما کان رسول الله صلی الله علیه و سلم یزید فی رمضان و لا فی غیره علی إحدى عشرة رکعة» (متفق علیه) پیامبر صلی الله علیه و سلم چه در رمضان و چه در غیر رمضان بیش از یازده رکعت نمی‌خواند.

ولی در روایتی دیگر وارد شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «صلاة اللیل مثنی مثنی فاذا خفت الصبح فواتر بواحدة» (روایت بخاری) نماز شب دو رکعت دو رکعت می‌باشد و اگر بیم از طلوع صبح داشته باشی پس با یک رکعت نماز وتر آن را خاتمه بده).

بنابراین باید گفت که: نماز شب را به صورت نمازهای دو رکعتی خواند، هر چند رکعات زیادی خوانده شوند و سپس در آخر با یک رکعت نماز وتر آن را خاتمه داد، ولی بر طبق روایتی که از حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها ذکر شد، سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم اینست که یازده رکعت نماز شب خوانده شود، یعنی ابتداء چهار بار نماز دو رکعتی می‌خواند که مجموعاً می‌شود ۸ رکعت و سپس دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر می‌خواند. و طوری که در فوق متذکر شدیم، نماز شب بعد از نماز عشاء (خفتن) شروع می‌شود و تا قبل از طلوع فجر صادق

خاتمه می یابد، ولی بهتر است بعد از نماز عشاء خوابیده شود و سپس در یک سوم آخر شب نماز شب خوانده شود
زیرا وقت نزول الهی است و دعاء مستجاب است. -ادامه دارد